

رسانه رادیو و تلویزیون جام جم

خبر

آثار شاگردوست روی آنتن

پس از پشت سرگذشتن عید سعید قربان و در هفته منتهی به عید بزرگ غدیر خم، این شبکه‌ها زائر منتخب هفتگی خود را به یکی از محبوب‌ترین ژانرها، یعنی کم‌دی اختصاص داده و در بخش صحنه گران به مرور آثار النازشاگردوست خواهدپرداخت.

این شبکه از شنبه ۱۱ تا جمعه ۱۷ مرداد، ساعت ۱۳ فیلم‌های اون روی زندگی، در شیراز اتفاق افتاد، مهریه، قاتلان پیرمرد، وای آمپول، پاتال و آرزوهای کوچک و افراطی‌ها را روی آنتن می‌برد.

فیلم‌های ویژه تابستان شبکه نمایش به ترتیب: دوری و بازگشت، مثل يك ستاره زندگی کن، بهترین دوست من، زادورا، سلاح، بچه شهری‌ها و گودزیلا از شنبه تا جمعه ساعت ۱۵ پخش می‌شوند.



جنجال بزرگ

فیلم‌بازهای شبکه نمایش می‌توانند یکی از محبوب‌ترین ژانرهای سینما یعنی ژانر کم‌دی را از شبیه تا جمعه به ترتیب با تماشاى فیلم‌های ایرانی و خارجی شامل: پتسی و بی‌نظم منظم، اخلاق‌و خوب کن، موش زبل، مرد آفتابی، احمق و احمق‌تر ۲، آبی‌آرتمان شماره ۱۳ و جنجال بزرگ از این شبکه دنبال کنند.

در بخش صحنه گران (مرور آثار)، الناز شاگردوست، بازیگر سینما و تلویزیون، يك هفته مهمان شبکه نمایش می‌شود.

علاقه‌مندان به بازی این بازیگر می‌توانند از شبیه تا جمعه ساعت ۲۱ به ترتیب فیلم‌های: خدا نزدیک است، فاصله، شبی که ماه کامل شد، شرط اول، مجردها، کیش و مات و عروس فراری را مشاهده کنند.

سفر به چین

در باکس ساعت ۲۳ این شبکه به ترتیب فیلم خاطره‌انگیز فرار به سوی پیروزی و نیز: باغی دشت، شاهد نامرئی، تعقیب و گریز، توگو، تصنیف باستر اسکرآژ و فیلم سینمایی جدید سفر به چین از شبیه تا جمعه پخش خواهدشد.

فیلم سفر به چین (Journey to China: The Mystery of Iron Mask)به کارگردانی اولگ استپچنکو محصول ۲۰۱۹، جمعه ۱۷ مرداد و در شب عید غدیرخم، در ساعت ۲۳ برای نخستین بار از این شبکه پخش می‌شود.

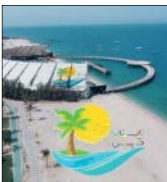
داستان سفر به چین در قرن هجدهم جریان دارد و ادامه ماجراجویی‌های تازه جاناتان گرین را دنبال می‌کند. او يك سفر علمی و فوق‌العاده‌ای را انجام می‌دهد و از انگلستان به چین سفر می‌کند و...

چه خبر از فیلم‌های کلاسیک

در کلاسیک هفته پیش رو فیلم‌های بزرگ مرد کوچک، سرافراز، گرِبه جاسوس، احمق‌ها در آکسفورد و احمق‌ها در دِریا(لورل و هاردی)، جاده صاف کن(نورمن پیردوم)، به خاطر يك مشت دلار (کلینت ایستوود) و ژنرال(باستر کیتون)از شبیه تا جمعه در ساعت یک بامداد از شبکه نمایش پخش می‌شوند.

پویش #دل-گویه‌های-غدیری در رادیو نمایش

علاقه‌مندان به گفت‌وگو با مولای متقیان، حضرت امام علی (ع) می‌توانند با ارسال فایل صوتی به رادیو نمایش در پویش #دل-گویه‌های-غدیری شرکت کنند. به گزارش روابط عمومی رادیو نمایش، شنونده فهیم رادیو نمایش می‌تواند فایل صوتی خود را که با عبارت (مولای من) آغاز شده باشد به این پویش در صفحه برنامه استودیو هشت از طریق نرم‌افزار ایرانصد ارسال کنند. برای ارسال از طریق سایت رادیونمایش به آدرس radionamayesh.irنیز می‌توانند مراجعه‌کنند.



تابستان کیش به خانه‌های ایرانیان آمد

به گزارش جام‌جم، شبکه دو درگرمای تابستان برنامه «تابستان کیش» را با توجه به همه‌گیری و محدودیت‌های سفر به دلیل بیماری کرونا برای مخاطبان فراهم دیده است تا نشاط و سلامت را دوباره به خانه‌ها برگرداند.

این برنامه را می‌توان طر‌حی در گردشگری داخلی نامید که با توجه به شعار سال

زهراسلواتی، فاطمه عودباشی، رسانه

«گذر از رنج‌ها» از جمله سریال‌های جذاب و خاطره‌انگیز تلویزیون در يك دهه گذشته است؛ سریالی به کارگردانی فریدون حسن‌پور که به روایت زندگی از کودکی تا میانسالی زنی به نام دنیا می‌پردازد. بیژن امکانیان، پیام دهکردی، پژمان بازغی، مجید پتکی، ماه‌چهره خلیلی، شیوا طاهری، نگین معتمدی و مهران رجبی از جمله بازیگران این سریال به‌شمار می‌روند. آرتی‌اتراکشوند نیز بازیگر نقش «مه‌لقا» در سریال گذر از رنج‌هاست. مه‌لقا زنی قوی و مستقل است که به‌تلهایی زندگی می‌کند. آن‌گونه که خود تراکشوند نیز اذعان می‌کند مه‌لقا شخصیتی پیچیده و چندلایه و جذاب دارد که می‌تواند برای هر بازیگری وسوسه‌کننده

نگاهی به کارنامه بازیگری‌تان نشان می‌دهد شما معمولاً سعی می‌کنید نقش‌هایی را انتخاب کنید که صرفاً يك زن کلیشه‌ای نباشد که فقط در آشپزخانه مشغول آشپزی است. به‌عنوان مثال در سریال بوی باران نقش يك زن کارگر را بازی می‌کنید که در کارخانه زناله کار می‌کند. در سریال گاندو نقش يك جاسوس را به‌عهده داشتید. در سریال گذر از رنج‌ها نقش زنی به‌نام مه‌لقا با رفتارهای عجیب و غریب را بازی کردید. درباره این روند و چالش‌های نقش مه‌لقا بگویید چطور آن را پذیرفتید که این روزها از آی فیلم پخش می‌شود؟

راستش همه بازیگران از نقش‌های خاص استقبال می‌کنند و من هم دلم نخواست‌ه صرفاً نقشی را روی آنتن داشته باشم، می‌خواهم خودم را به‌واسطه نقش‌های مختلف محك بزنم. به همین دلیل صوری می‌کنم و با تامل نقش‌هایم را انتخاب می‌کنم. خدا را شکر این اتفاق برایم افتاده است و امیدوارم از این به بعد هم پیش بیاید. درباره نقش مه‌لقا باید بگویم این نقش را خیلی دوست داشتم.

زنی استوار و قوی بود و شخصیتی چندوجهی داشت. همین‌تک بعدی نبودنش برای بازیگر جالب است و چالش به همراه دارد. يك بازیگر با چنین نقش‌هایی می‌تواند خودش را توانایی‌هایش را محك بزند. مه‌لقا گذشته پرماجرا و مبهمی دارد و در عین حال يك رفتار عجیب و غریبی را هم در پیش گرفته و کلاً شخصیت تودار و سوال‌برانگیزی دارد.

تا باین تفاسیل چگونه به شخصیت مه‌لقا نزدیک‌شاید؟

سعی کردم تحقیقاتی درباره نوع گفتمان و رفتار زنان همسن و سال مه‌لقا داشته باشم. حتی ریزه‌کاری‌ها را هم در نظر گرفتم. تلاش داشتم تا کاراکتر يك زن میانسال گیلکی را به خوبی بشناسم و جلوی دوربین به تصویر بکشم. مه‌لقا شخصیتی پیچیده و چندلایه اما جذاب داشت که برای هر بازیگری جالب و وسوسه‌کننده است.

تا جایی که می‌دانم شما اصالتاً گیلانی نیستید. در حالی که مه‌لقا لهجه غلیظی دارد.

چگونه به لهجه گیلکی با این غلظت رسیدید؟
می‌شود گفت قبیل از بازی در سریال گذر از رنج‌ها با لهجه گیلکی هیچ آشنایی نداشت‌م. خوشبختانه آقای حسن‌پور خودش شمالی است و بر نحوه ادای کلمات تسلط و نظارت

این هنرمند در پاسخ به این سوال که کدام بخش‌های زندگی مه‌لقا را دوست دارید، توضیح می‌دهد: مه‌لقا گذشته جالبی دارد و وقتی درباره خاطراتش با دنیا حرف می‌زند، مشخص می‌شود گذشته او پر از اتفاقات مختلف است. به همین دلیل نگاه امروزش برگرفته از تجربیات گذشته است. شما در قسمت‌های ابتدایی سریال



از روز یکشنبه دوازدهم مرداد، پخش سریال رادیویی «سمفونی رخت‌ها» به کارگردانی میرطاهر مظلومی از رادیو تهران و رادیو نمایش آغاز می‌شود.

سمفونی رخت‌ها به سفارش رادیو تهران در اداره‌کل هنرهای نمایشی رادیو تولید شده است که همزمان از رادیو نمایش نیز پخش خواهد شد.

تابستان کیش به خانه‌های ایرانیان آمد

به گزارش جام‌جم، شبکه دو درگرمای تابستان برنامه «تابستان کیش» را با توجه به همه‌گیری و محدودیت‌های سفر به دلیل بیماری کرونا برای مخاطبان فراهم دیده است تا نشاط و سلامت را دوباره به خانه‌ها برگرداند.

این برنامه را می‌توان طر‌حی در گردشگری داخلی نامید که با توجه به شعار سال

زهراسلواتی، فاطمه عودباشی، رسانه

«گذر از رنج‌ها» از جمله سریال‌های جذاب و خاطره‌انگیز تلویزیون در يك دهه گذشته است؛ سریالی به کارگردانی فریدون حسن‌پور که به روایت زندگی از کودکی تا میانسالی زنی به نام دنیا می‌پردازد. بیژن امکانیان، پیام دهکردی، پژمان بازغی، مجید پتکی، ماه‌چهره خلیلی، شیوا طاهری، نگین معتمدی و مهران رجبی از جمله بازیگران این سریال به‌شمار می‌روند. آرتی‌اتراکشوند نیز بازیگر نقش «مه‌لقا» در سریال گذر از رنج‌هاست. مه‌لقا زنی قوی و مستقل است که به‌تلهایی زندگی می‌کند. آن‌گونه که خود تراکشوند نیز اذعان می‌کند مه‌لقا شخصیتی پیچیده و چندلایه و جذاب دارد که می‌تواند برای هر بازیگری وسوسه‌کننده

زهراسلواتی، فاطمه عودباشی، رسانه

گفت‌وگو با آرتی‌اتراکشوند به بهانه پخش «گذر از رنج‌ها» از آی فیلم عربی

گذر از رنج‌ها با عشق

باشد. تراکشوند می‌گوید برای بازی در نقش مه‌لقا زحمت زیادی کشیده و ساعات‌ها وقت را صرف کن‌کاش در نوع رفتار و گفتار زنان میانسال گیلکی کرده‌است. او همچنین تمرینات زیادی برای ادای درست کلمات با لهجه گیلکی پشت سر گذاشته‌است. این بازیگر می‌گوید وقتی شاهد پخش سریال گذر از رنج‌ها بوده، تمام خستگی‌ها بابت بازی در این پروژه‌سنگین، از تنش بیرون رفته و از بازی در آث‌ری فریدون حسن‌پور بسیار راضی است. باتوق، ملکوت، توطئه‌فامیلی، چمدان، دختری به نام آهو، کلاه پهلوی و گاندو از جمله دیگر سریال‌هایی است که تراکشوند در آنها به ایفای نقش پرداخته. به بهانه پخش سریال گذر از رنج‌ها از آی فیلم عربی مصاحبه‌ای داشته‌ایم با آرتی‌اتراکشوند، بازیگر نقش مه‌لقا در این مجموعه‌نمایشی جذاب.

کافی داشت. خیلی هم سر لهجه تمرین داشتیم. صحبت کردن با لهجه گیلکی ابتدا برایم مشکل بود، اما با تمرین و راهنمایی‌های آقای حسن‌پور بالا‌بره توانستم کلمات را به شکل واقعی و طبیعی ادا کنم.

فکر می‌کنم شما بروجرئی هستید، اما با این‌که از قبل نسبت به این لهجه شناخت نداشتید از عهده آن برآمدید؟

بیان دیالوگ‌ها با لهجه شمالی برای من سخت‌تر از بقیه بود. چون من لر هستم و از طرف مادری کرد. من به گویش کردی مسلط هستم، هرچند این لهجه به لحاظ آوا و آهنگ شباهت زیادی با لهجه شمالی دارد، اما صحبت با لهجه شمالی برایم سخت بود. کافی بود يك کلمه را محکم تلفظ کرده یا آکسوس اضافه می‌گذاشتم که شبیه لهجه کردی می‌شد، اما خدا را شاکرم توانستم کارم را درست انجام بدهم، زیرا بازتاب‌ها نشان می‌دهد لهجه‌ام مشکلی نداشته است.

از افراد محلی هم کمک می‌گرفتید تا به لهجه نزدیک‌شوید؟
بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

برخورد محلی‌ها با شما هنگام تصویربرداری سریال گذر از رنج‌ها چگونه بود؟

خیلی خوب بود. شمالی‌ها بسیار مهمان‌نواز، خونگرم و مهربان هستند و هر کاری از دستشان برمی‌آمد، انجام می‌دادند. از آنجا که تفاوت زیادی میان شخصیت روستایی با شهری وجود دارد، تلاش داشتم خیلی به فرم راه رفتن، رفتار و حرف زدن خانم‌های محلی نگاه کنم تا شخصیت مه‌لقا نقضی نداشته باشد.

هر فردی متناسب با شرایط زندگی‌اش فرهنگ خاصی در رفتارهایش دارد و به قول معروف زبان بدنش خیلی متفاوت با زنی است که در شهر زندگی کرده و خانه‌اش مب‌له است. من معمولاً جزو کسانی هستم که اطرافم را خیلی بادقت می‌بینم تا شخصیت‌هایی را که قرار است بازی کنم، واقعی دربیاورم. از آنجا که

می‌بینید مه‌لقا وقتی با دنیا درددل می‌کند، از جمله انگلیسی‌ها و پناه بردن خودش و پدرش به کلبه چوبی در بیلاق می‌گوید. مه‌لقا روحیه خاصی دارد و من همه بخش‌های زندگی او را دوست دارم. وقتی دنیا زن هدایت (پسر خان) می‌شود، مونولوگ مه‌لقا روی تصویر دنیا پخش می‌شود که خطاب به دنیا می‌گوید هر چیزی

می‌بینید مه‌لقا وقتی با دنیا درددل می‌کند، از جمله انگلیسی‌ها و پناه بردن خودش و پدرش به کلبه چوبی در بیلاق می‌گوید. مه‌لقا روحیه خاصی دارد و من همه بخش‌های زندگی او را دوست دارم. وقتی دنیا زن هدایت (پسر خان) می‌شود، مونولوگ مه‌لقا روی تصویر دنیا پخش می‌شود که خطاب به دنیا می‌گوید هر چیزی

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه

شمالی می‌خواند و صدایش را ضبط می‌کردم و بعد گوش می‌دادم. ضمن این‌که کارگردان هم کلمه به کلمه بر دیالوگ‌ها نظارت می‌کرد و اگر بیان و لهجه درست نبود به ما تذکر می‌داد. در واقع تا زمانی که لهجه‌ام درست نمی‌شد، کات نمی‌داد.

بله، من دیالوگ‌ها و منولوگ‌های بلند را به يك خانم شمالی داده بودم و او برایم با لهجه